

تقدیم: به همه کودکان زحمتکش میهنم،
به مناسبت روز جهانی کودک

فرش

آقا اجازه؟!
من نفهمیدم،
بهاران در کجا زیباست!
من بهاران را فقط،
در پای قالی خان،
دیدم ام،
با بته های کج!
من هزاران را فقط،
در نقش ها دیدم،
در میان رَج!
صداشان،

روی نقش آبی بی جان،
فروخته است!

اقا اجازه؟!
بهاران واقعا زیباست،
روی فرش!
بهاران واقعا زیباست!
منهم می نشانم گل
سفید و سرخ،
از خون سرانگشتان تَردم،
زیر پای خان!

آقا اجازه؟!
زیر پای من ولی،
خاک نمور یک اتاق سرد،
افتاده است!

و در چشمم،
شیار راه راه بودر قالی هاست،
زرد و سرخ،
سبز و خاکی پُر رنگ،
نخ برجاست!

آقا اجازه؟!
مادرم هم سال ها،
بر خاک زانو زد!
دو چشمش کور شد،
در پای دار قالی خانها!

خواهرم هم،
کودکی نویاست،
اما نقش گل را می شناسد،
در هزاران رنگ!

آقا اجازه؟!
من بهار زنده را،
در چشم های خواهرم دیدم!
نگاهش،

نقش گل دارد،
نمی خواهم،
که در گلدان جاننش،
نقش پاییزی ببینم باز!

آقا اجازه؟!
من بهار زنده ام را،
آرزو دارم...

ح. مهرگان

عقب نشینی و مانورهای رژیم «ولایت فقیه» در برابر مبارزه متحد طبقه کارگر

سال ۱۳۷۵، سال گسترش دامنه جنبش اعتراضی طبقه کارگر میهن ما که اعتصاب نفتگران پالایشگاه تهران در ماه های آخر سال نقطه عطف آن به شمار می آید، رژیم کارگر ستیز ولایت فقیه برای مقابله و مهار این مبارزات تن به پاره ای عقب نشینی های مشخص، حساب شده و تاکتیکی داده است! جمهوری اسلامی ضمن تشدید جو اختناق در محیط های کارگری و به راه انداختن جریان های ارتجاعی نظیر «جامعه اسلامی کارگران» به منظور اعمال فشار بیشتر و سرکوب خشن هر نوع حرکت اعتراضی، طی ماه های اخیر، سلسله مانورهای هدفمندی را نیز تدارک دیده و

ادامه در ص ۳

خلاصه ای از گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه در صفحات ۵۰۴ و ۸

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۸، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲۷ خرداد ۱۳۷۶

ایران پس از انتخابات: «نظام» استبدادی در مقابل خواست قاطع توده های میلیونی برای طرد «ولایت فقیه»، به خاطر آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

غیر از این را توطئه ضد انقلاب و دشمنان خارجی ارزیابی کردند.

علی رغم این ترندهای تبلیغاتی سران رژیم قادر نبوده و نیستند آتش زیر خاکستر نارضایتی گسترده توده ها علیه ساختار استبدادی و ضد مردمی کنونی را انکار کنند. در سال های اخیر روزی نبوده است که توده ها در اشکال مختلف نارضایتی و تفر خود را از رژیم حاکم به اشکال مختلف بروز ندهند. از دشنام و ناسزا در صف گوشت، نان، و ... تا قیام های مردمی که به دستور سران رژیم به خاک و خون کشیده شدند و اعتصاب های کارگری جای تردید برای کسی باقی نمی گذارد که توده ها تشنه تحول اند و برای تحقق این تحول به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نوعی همبستگی فعال آشکار و نهان را به مثابه پایه های استوار مقاومت ملی پی ریزی می کنند. بی دلیل نیست که با گذشت زمان اتکاء رژیم برای حفظ خود بیش از پیش متوجه ارگان های مسلح و سرکوبگر است و حیات رژیم با حیات این ارگان ها هر چه بیشتر گره مس خورد. سرکوب های خونین کشتار هزاران مبارز راه آزادی، شکنجه، ترور و ایجاد رعب و وحشت عمیق در درون جامعه از حربه هایی است که رژیم با تکیه بر آنها و در نبود یک آلترناتیو دموکراتیک و مردمی

ادامه در ص ۶

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم با شکست مفتضحانه روحانیت واپسگرای حاکم به پایان رسید. توده های عظیم خلق با رای ۲۰ میلیونی خود علیه نامزد ولی فقیه، شورای نگهبان، مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز خواست روشن و انسانی و عمیقاً منطقی خود را برای تغییر شرایط اسفناک کشور و رها شدن از بندهای ارتجاع و تاریک اندیشی اعلام کردند. حتی سرمقاله نویسنده روزنامه سلام، ارگان مجمع روحانیون مبارز نیز معترف است که: «اگر این تحلیل را نیز بپذیریم که تعداد زیادی از آرای ایشان [خاتمی] از باب مخالفت با جناح رقیب بوده بازهم این پیام و نتیجه را نمی توان نادیده گرفت که آرای این جنبی نیز خود حاکی از یک خواست فراگیر در عرصه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از ناحیه توده مردم است...» (روزنامه سلام - ۱۹ خرداد ۷۶).

رای ۲۰ میلیونی مردم علیه ساختار حاکم چنان لرزه ای بر پیکره پوسیده رژیم انداخت که تعادل ظاهری سردمداران رژیم را مختل ساخت و بلافاصله پس از روشن شدن قطعی نتایج انتخابات تلاش مذبحخانه ای را برای وارونه نشان دادن حقیقت و گذاشتن این رای به حساب «نظام» و تایید رژیم «ولایت فقیه» آغاز کردند و هر تعبیری

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



کابینه فرا گروهی

با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات و شکست مفتضحانه ناطق نوری نامزد ولی فقیه، دعوا بر سر تعیین کابینه جدید میان جناح های حاکمیت وارد مرحله تازه ای شد. طرفداران جناح رسالت با تأکید بر قول های خاتمی در طول انتخابات مبنی بر اینکه دولت او دولت فرا جناحی خواهد بود، خواستار اختصاص داده شدن تعدادی از پست های کابینه آینده به خود شدند. مرتضی حاجی رییس ستاد انتخاباتی خاتمی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه همشهری در پاسخ به این خواست جناح مقابل از جمله گفت: «فکر می کنم اشکال این افراد در برداشت از کابینه فرا جناحی است که آن را شرکت سهامی می پنداشتند. قطعاً منظور از این تعبیر این نیست که رییس جمهور سهمیه برای گروه ها و گرایش های فکری قائل بشود. اگر آنان چنین برداشتی داشته اند باید اصلاح کنند. فرا جناحی بودن دولت و اعضای آن بدین معنی است که دولت متعلق و خدمتگزار همه مردم کشور است و این خدمتگزاری نباید به سمت منطقه ای خاص یا جناحی معین گرایش پیدا کند...» (روزنامه همشهری چهارشنبه ۲۱ خردادماه).

نرخ بیکاری در کشور از ۹/۱ درصد تا ۱۹/۱

عباسعلی زالی رییس مرکز آمار ایران، روز یکشنبه ۱۱ خرداد آماری در مورد ویژگی های جمعیت ۶۰ میلیونی کشور اعلام کرد که برخی از آن بسیار جالب و افشاگرانه است. وی از جمله در مورد آمار بیکاری کشور اعلام کرد که: «میزان بیکاری در کشور (بیکاران جویای کار) از ۱۴/۲ در سال ۱۳۶۵ به ۱۹/۱ درصد در سال ۷۵ افزایش یافته است». روزنامه های مجاز دو روز پس از انتشار این خبر اعلام کردند: «در خبر مربوط به ویژگی های جمعیت ۶۰ میلیونی کشور نرخ بیکاری سال ۷۵ معادل ۱۹/۱ درصد اعلام شد که رقم صحیح آن ۹/۱ می باشد. البته این روزنامه ها توضیح ندادند که مطابق خبر چاپ شده و در صورتی که ۱۹/۱ درصد رقم نادرستی باشد چطور میزان بیکاری می تواند از ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۱ درصد افزایش یافته باشد!! نکته جالب دیگر این آمار تعریف جدید بیکاران است که به «جویندگان کار» تغییر کرده است. در

این زمینه آمار وزارت کار و امور اجتماعی پرده از روی ترفند های رژیم بر می دارد. بر اساس تازه ترین آمار منتشره از سوی اداره کل خدمات اشتغال این وزارت خانه «پارسال ۴۸۳ هزار نفر از جویندگان کار در مراکز کارایی دولتی ثبت نام کردند که از این تعداد تنها ۱۰/۹ درصد یعنی ۵۲ هزار نفر توانستند مشغول کار شوند». بر اساس این آمار تعداد «جویندگان کار ثبت نام شده در سال ۷۴ بیش از ۳۲۷ هزار نفر بوده که این رقم در سال ۷۵ حدود ۴۷/۵ درصد افزایش داشته است.»!!! حال ارتباط ۴۷/۵ درصد رشد در میزان جویندگان کار و افت ۶ درصدی میزان جویندگان کار در سال ۱۳۷۵ را پیدا کنید.

نکته جالب دیگر این آمار نسبت به کار گمارده شدگان با جنسیت آنان است. بر اساس همین گزارش ۱۲/۶ درصد به کار گمارده شدگان در سال ۷۵ را زنان و ۸۷/۴ درصد را مردان تشکیل می دهند. در ضمن به اعتراف وزارت کار و امور اجتماعی عملکرد مراکز کارایی با شکست کامل روبرو بوده است. در حالی که این مراکز در سال ۷۴ توانستند برای ۱۴/۹ از جویندگان کار فرصت شغلی پیدا کنند این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۹ درصد کاهش یافته است.

کمک های نقدی ۴ میلیاردی به کارزار انتخاباتی سید محمد خاتمی

مرتضی حاجی در مصاحبه با رسانه های گروهی ارقام جالبی از کمک های انجام شده به کارزار انتخاباتی سید محمد خاتمی ارائه کرد. بر اساس گفته مرتضی حاجی کمک های انجام گرفته عبارت بودند از: «حدود ۴/۸ میلیارد ریال کمک نقدی که به حساب های ستاد واریز شد و حدود ۳۰۰ واحد ساختمانی که برای ستادها در تهران و شهرستان ها به طور رایگان در اختیار قرار گرفت. مواردی کمک های جنبی مانند پارچه، کاغذ، چسب و قلم مو که رقم واقعی آن تخمین زده نشده، ولی به نظر می رسد حدود ۵۰۰ میلیون ریال بشود. همچنین به طور طبیعی مردم هر منطقه کمک هایی به ستادهای شهرستان و استان خود داشته اند که از رقم دقیق آنها اطلاع در دست نیست اما جمع این گونه کمک ها نیز کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال تخمین زده می شود.»

ایران و مشکلات امنیتی ترکیه

بر اساس گزارش رسانه های گروهی ایران، هاشمی رفسنجانی با ارسال پیامی به سلیمان دمیرل به ادامه حضور نیروهای مسلح ترکیه در مناطق کرد نشین شمال عراق اعتراض کرد. در قسمتی از این پیام از جمله ذکر شده است: «وضعیت جاری در منطقه شمال عراق مصایب فراوانی را برای مردم آن کشور به طور اعم و ساکنین استان های شمالی به طور احص

ایجاد کرده است و استمرار این وضعیت مخالف مصالح منطقه و همسایگان آن کشور است.» این نگرانی هاشمی رفسنجانی برای سرنوشت مردم کرد نشین این مناطق که خود به دفعات مورد یورش بمب افکن ها و توپخانه سنگین نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفته اند به هیچ وجه ربطی به سرنوشت مردم کرد نشین ندارد. بروجردی، معاون وزیر امور خارجه که حامل این پیام برای دولت ترکیه بود در سخنانی در این کشور از جمله گفت: «تداوم همکاری های دو جانبه امنیتی مشکلات ایجاد شده برای ترکیه را مرتفع خواهد ساخت... جمهوری اسلامی ایران مشکلات داخلی ترکیه را درک می کند و آماده است در چارچوب توافق های دو کشور به حل مشکلات امنیتی ترکیه کمک کند... ترکیه نیز نباید دست کسانی را که دشمنان شناخته شده جهان اسلام هستند را در منطقه باز کند... خاک ایران هیچ گاه محل امنی برای دشمنان ترکیه نخواهد بود...»

سرنوشت واگذاری سهام کارخانه ها به کارگران

در سال گذشته سران رژیم با هیاهوی زیاد پیرامون سپردن سهام کارخانه ها به کارگران داد سخن دادند و این حرکت را از دست آوردهای بزرگ «سردار سازندگی» و روند بازسازی کشور قلمداد نمودند. این گزاره گویی های سران رژیم مانند بسیاری از ادعاهای آنها چیزی جز یک عوام فریبی ارزان و بی ارزش نیست. در این مورد بر اساس گزارش روزنامه همشهری (پنجشنبه ۲۲ خرداد ماه) عملیات واگذاری ۳۳ درصد سهام کارخانه ها به کارگران از پارسال تاکنون متوقف شده است. و این در حالی است که ۳۸۰ میلیارد ریال از سهام کارخانه های مختلف تولیدی آماده واگذاری به کارگران آنهاست.

نعمت زاده وزیر صنایع دولت رفسنجانی در مورد علل متوقف شدن واگذاری سهام کارخانه ها به کارگران از جمله توضیح داد که: «سازمان مالی گسترش مالکیت واحد های تولیدی تا قبل از سال ۷۵... سهام قابل واگذاری را به اقساط دوساله از کارخانه ها می خرید و سپس با دریافت ۲۵ درصد قیمت آن به صورت نقد و ۷۵ درصد به اقساط هفت ساله، سهام را به کارگران واگذار می کرد. اما از سال ۱۳۷۵ این سازمان اعلام کرد که به دلیل عدم توان مالی قادر به خرید سهام به اقساط دوساله از کارخانه ها نیست و به همین دلیل کار واگذاری سهام متوقف شد». از نکات بسیار افشاگرانه دیگر این مصاحبه میزان سهام واگذار شده به کارگران و میزان واگذاری سهام به دیگران است. به گفته محمد رضا نعمت زاده تا به حال ۲۹۵۰ میلیارد ریال سهام تعدادی از واحدهای صنعتی واگذار شده است که ۳۱۴ میلیارد ریال آن به کارگران شاغل در این واحدها فروخته شده است.

ادامه عقب نشینی و مانور...

عملی نموده است. طی هفته های پس از اعتصاب پیروزمند کارگران پالایشگاه نفت تهران و ابراز همبستگی و اتحاد دیگر نفتگران و کارگران رشته های دیگر و بازتاب گسترده آن در میان مردم، گردانندگان جمهوری اسلامی به انحاء مختلف کوشیده اند تا معضلات ژرف و بزرگ موجود در زندگی کارگران را کم اهمیت جلوه داده و در مبارزه و اتحاد آنان خلل وارد سازند و در مجموع مسیر مبارزه را ابتدا سد کرده و سپس منحرف و خنثی نمایند! از فردای اعتصاب کارگران نفت که سران رژیم را در بهت و هراس فرو برد، کمتر روزنامه، نشریه و تریبونی را در داخل کشور می توان دید که دم از مشکلات کارگران نزنند و «راه حلی» را ارائه ندهد. نخستین عقب نشینی و مانور حساب شده زیر فشار مبارزه جویی طبقه کارگر، تصویب دو لایحه در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با مسایل کارگران بود مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز ۱۹ اسفند ۱۳۷۵ خود لایحه اصلاح ماده ۴۸ قانون مالیات های مستقیم و اصلاحیه های بعدی آن را به تصویب رساند. طبق ماده ۴۸ که به تصویب رسیده است، «تا میزان ۶۰ برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۰ درآمد سالانه مشمول مالیات قانون کار از یک یا چند منبع از پرداخت مالیات معاف می شوند». همچنین بر پایه تبصره ۲ این قانون، «میزان اضافه کاری قابل محاسبه برای کارگران مشمول قانون کار بیش از ۵۰ درصد ساعات کار روزانه نخواهد بود...».

لازم به یادآوری است که همین قانون نیم بند، غیر کافی و غیرعمده که مشکل اساسی را نیز رفع نمی کند، پیش از این چندین بار در مجلس رژیم مطرح شد و در اواسط سال ۱۳۷۵ نیز به صلاحدید هیات رئیسه مجلس رژیم مسکوت گذاشته شد. اما اکنون پس از اوج گیری حرکت های اعتراضی کارگران، رژیم فقها وادار گردیده که این قانون را با هراس و شتاب از تصویب بگذرانند. بعلاوه در همین جلسه علنی روز ۱۹ اسفند لایحه دیگری نیز که به مسایل کارگری مربوط می شد مطرح شد. به گزارش روزنامه کیهان چاپ تهران، در شورای اول جلسه علنی روز ۱۹ اسفند، لایحه اصلاح بندهای «ب» و «ج» ماده ۷ قانون نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران و کارگران طرح و کلیات آن از تصویب گذشت.

سپس با گذشت چند روز، باردیگر در جلسه روز ۲۲ اسفند ماه «طرح بازنشستگی پیش از موعد زنان کارگر» تقدیم مجلس شد. سهیلا جلودارزاده نماینده منتخب رژیم از تهران در مجلس شورای اسلامی در خصوص این طرح خاطر نشان کرد: «در این طرح پیش بینی شده است که زنان کارگر که کارهای سخت و زیان آبرو دارند...» اما با تمام حقه و مانا بازنشسته شوند سایر زنان کارگر در صورت دارا بودن ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه کار طبق سنوات کاری بازنشسته می شوند...».

از سوی دیگر، هیات دولت جمهوری اسلامی نیز در تعقیب این مانورها، تصویب کرد که از ابتدای سال آینده (۱۳۷۶) مالیات اضافه کاری کارکنان بخش خصوصی همانند کارکنان بخش دولتی جدا از درآمدهای ماهیانه و با نرخ ثابت ۱۰ درصد محاسبه خواهد شد. پیش از این مالیات اضافی کاری کارگران بخش غیر دولتی با مجموع درآمد ماهیانه و به صورت تصاعدی محاسبه می شد. طرح این لوایح، تصویب مجلس، اعلامی دولت و رفتار شتاب آلود و پرهراس رژیم، نشانه ضعف و نگرانی جدی از جنبش روبه رشد اعتراضی طبقه کارگر میهن ما است. جمهوری اسلامی نه برپایه تامین منافع کارگران و زحمتکشان، بلکه صرفا به دلیل ترس و برای حفظ و بقاء خود به این اقدامات نیم بند و فریب کارانه دست زده است. عقب نشینی رژیم در هراس از مبارزه متحد کارگران می باشد.

در همین رابطه یادآوری این واقعیت خالی از فایده نیست که تاپیش از اوجگیری اعتراضات کارگری به ویژه اقدام قهرمانانه نفتگران، مقامات دولتی و نیز مجلس شورای اسلامی حاضر نبودند حتی طرح ها و پیشنهادات نیم بند و بی حاصل نهادهای گوش به فرمان و تحت تسلط خود همانند «خانه کارگر»، «شوراهای اسلامی کار» و غیره را شنیده و بپذیرند. امروز بی دلیل نیست که کلیه سران حکومتی به یک باره به یاد مشکلات کارگران افتاده اند و دم از مبارزه با فقر و ضرورت فقرزدایی می زنند. به عنوان شاهد، سخنان اخیر رفسنجانی جالب و شنیدنی است. وی در اواسط اسفند ماه در دیدار با اعضای شورای مرکزی، معاونان و مدیران کل کمیته امداد امام که نهادی پوسیده و شدیداً واپس مانده است از جمله تاکید کرد: «با برنامه های مشخص و هدف های تضمین شده برای تامین حداقل دستمزد، ایجاد اشتغال بیمه های

همگانی، آموزش و تحصیل رایگان و گسترش بیمه های اجتماعی با فقر مبارزه می شود...» و یا امامی کاشانی از چهره های مرتجع و دبیر شورای نگهبان در خطبه های نماز جمعه ۱۷ اسفند ماه تهران با اعلام صریح نگرانی رژیم از دامنه اعتراضات و اعتصابات کارگری می گوید: «نظام، دولت و مردم باید دست به دست یکدیگر دهند تا مساله حل شود و هرچه زودتر فقر از جامعه ریشه کن شود...». چنین موضعگیری هایی از سوی محافل گوناگون حکومتی در راستای سیاست فریب کارگران و منحرف ساختن جنبش اعتراضی اتخاذ می شود.

در همین زمینه، به گزارش رسانه های همگانی در جمهوری اسلامی، حسین کمالی وزیر کار رژیم در سخنانی هنگام سفر به استان فارس اعلام داشت: «طرح افزایش دستمزد کارگران برای سال آینده توسط شورای عالی کار تحت بررسی است. جهت تامین امکانات رفاهی برای کارگران استراحت گاه های کارگری در شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، همدان و کرمان و نیز طرح های توسعه استراحت گاه هایی در بندرانزلی و زارشیرای مشهد در دست احداث و اقدام است. ۱۰۰ مجموعه ورزشی کارگران در سراسر کشور در دست احداث است و ۱۶ مجموعه تا خرداد ماه سال ۱۳۷۶ به بهره برداری خواهد رسید. ۱۴۹ مجتمع آموزش و اشتغال در مناطق محروم مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. وی در مورد بن کارگری افزود: «دولت برای بن کارگری ۱ میلیارد تومان پرداخت کرده است و با احتساب ۸ میلیارد تومان قبلی بزودی بن کالا در اختیار کارگران قرار می گیرد.

همزمان با انتشار سخنان «مشعشع» وزیر کار، مطبوعات مجاز با آب و تاب بسیار نوشتند به منظور رفاه حال کارگران یک استراحت گاه کارگری در ساحل دریاچه ارومیه احداث خواهد شد. مدیر کل کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی ضمن اعلام این مطلب گفت: «این محل در زمینی به مساحت ۷۰ هکتار در دست طراحی است و در فاز اول آن ۲۷ ویلا شیک و مجهز احداث می شود...». اینکه چرا به یکباره مسئولین ریز و درشت جمهوری اسلامی به دست و پا افتاده و برای رفاه کارگران انواع طرح ها و شعارها را بر زبان جاری می سازند، جای شگفتی ندارد! این فعالیت ها، محصول گسترش مبارزه طبقه کارگر بوده و هراس رژیم درست از این واقعیت است. یکی دیگر از جنبه های مانور فریب کارانه و هدفمند رژیم ولایت فقیه در برابر مبارزات طبقه کارگر صحنه سازی و گردهمایی های ساختگی از کارگران برای مطرح نمودن خواست هایشان است.

روزنامه های رژیم نوشتند که در تاریخ ۱۸ اسفند ماه، گردهمایی ۴ هزار نفره همه شدگان و مستمعان تاملت، احتمالاً در قم حکم ورامین برگزار شد. این گردهمایی یک روزه، با صدور قطعنامه ای خواستار افزایش حداقل دستمزد، حق مسکن برای بازنشستگان و مستمری بگیران شد. در همین گردهمایی مسؤول شورای اسلامی کار ورامین از شورای عالی کار جمهوری اسلامی درخواست کرد، در بررسی میزان تورم سال آینده و اعلام میزان افزایش حقوق کارگران در سال آتی به صورت عادلانه باشد. هدف از برگزاری چنین نشست هایی همانگونه که اشاره شد، جلوگیری از ایجاد تشکل های واقعی و بیکارجوی کارگران است. برگزاری این گردهمایی ها تلاش هدفمند رژیم برای مقابله با جنبش اعتراضی است. بی جهت نبود در فردای اعتصاب نفتگران روزنامه کار و کارگر ارگان خانه کارگر وابسته به حکومت نوشت و اکیدا توصیه کرد که مسئولین جمهوری اسلامی به مساله فعالیت تشکل های کارگری رسیدگی کنند در غیر اینصورت سازمان ها و تشکل های مخفی توسط کارگران ایجاد خواهد شد. آنچه در ارتباط با عقب نشینی های موضعی و

ادامه در ص ۶

**آزادی برای همه
زندانیان سیاسی ایران!**

خلاصه ای از گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه اصلی ترین مسأله استراتژی ما



گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه که توسط رفیق زیوگانوف به کنگره چهارم حزب ارائه و در آخرین روزهای فروردین در مسکو مورد بحث و تصویب قرار گرفت، از اسناد با اهمیت و منحصر به فردی است که مطالعه آن برای آشنایی با استراتژی و تاکتیک کمونیست های روسیه برای برگرداندن روند تحولات حائز اهمیت ویژه ای است. در سطور زیر، ترجمه بخش های عمده و کلیدی این سند برای اطلاع خوانندگان نامه مردم ارائه می شود.

سوالات کلیدی استراتژی حزب

...وظیفه اول و عمده - تغییر رژیم ضد مردمی و تغییر مسیر نابود کننده اجتماعی - اقتصادی - حل نشده است با این حال دوره دو ساله پس از کنگره سوم به هدر نرفته است.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه به مثابه بزرگ ترین حزب سراسری روسیه و یک نیروی سیاسی قدرتمندی که دیگر کسی نمی تواند آن را ندیده بگیرد، تثبیت شده است. حزب در عرصه های درک ثنوریک پدیده های کنونی و چشم انداز آینده پیشرفت کرده است. در سازمان دهی کارزارهای سیاسی عمده که اهمیت ملی دارند، تجربیات عملی انباشته است. حزب ما رشد کرده است. احزاب تاتارستان و یاکوتیا و همچنین تعدادی از سازمان های محلی دیگر احزاب کمونیست به آن پیوسته اند. این امر نمایانگر چگونگی پایه گذاری وحدت واقعی جنبش کمونیستی در روسیه است... گام های مهمی در جهت متحد کردن نیروهای اپوزیسیون و میهن پرست و ایجاد مراکز تحلیلی و وسایل ارتباط جمعی خودمان برداشته ایم.

ما به خوبی از کمبودهای خودمان آگاه هستیم، من در مورد اصلی ترین آنها صحبت خواهم کرد. صفوف حزب خیلی آهسته رشد می کند. تعداد اعضای جوانی که به ما می پیوندند کافی نیست. تماس ما با توده ها، به ویژه در بسیج مردم زحمتکش برای اقدامات عملی در دفاع از منافع آنان کافی نیست. سازمان های ما بعضی وقت ها در ابتکارات سیاسی خیلی تاخیر دارند و از حوادث عقب هستند. ما به اندازه لازم از نمایندگان پارلمانی خود استفاده نمی کنیم.

اصلی ترین مسأله استراتژی ما

کنگره ما در ۸۰- مین سالگرد انقلاب اکتبر و ۷۵- مین سالگرد ایجاد اتحاد شوروی سوسیالیستی برگزار می شود... می خواهیم یکی از درس های فراوان قرن کنونی را یادآوری بکنم. چهل و پنج سال قبل در سخنرانی پایانی کنگره نوزده حزب کمونیست اتحاد شوروی (اکتبر ۱۹۵۲) ای. و. استالین به نمایندگان احزاب کمونیست و دموکراتیک خارجی گفت: «قبلا بورژوازی به خود اجازه می داد که لیبرال باشد، از آزادی های بورژوا-دموکراتیک دفاع می کرد. اکنون، حتی نشانه ای از این لیبرالیسم باقی نمانده است. پرچم آزادی های بورژوا-دموکراتیک به پایین پرتاب شده است. شما اگر می خواهید اکثریت مردم را دور خودتان جمع کنید باید این پرچم را بردارید و حمل کنید. کس دیگری نیست که آن را بردارد. قبلا، بورژوازی به عنوان رهبر ملت محسوب می شد، از حقوق و استقلال ملت ها دفاع می کرد و آنها را «برتر از هر چیزی» قرار می داد. اکنون هیچ نشانه ای از «اصول ملی» باقی نمانده است. پرچم استقلال ملی و حاکمیت ملی به زمین انداخته شده است. شما اگر می خواهید که میهن پرستان کشورهایتان باشید اگر شما می خواهید که نیروی رهبری کننده ملتتان

باشید، باید این پرچم را بردارید و به پیش ببرید. هیچ کس دیگری نیست که آن را بردارد».

در این کلمات جاده دشواری که کمونیست های روسیه و شوروی طی کردند برای درک اینکه منافع مردم، منافع کشور و حقوق شهروندان ارزش هایی هستند که ارزش زندگی کردن و جنگیدن دارند.

در این کلمات تجربه مبارزه علیه تروتسکیسم که روسیه را به عنوان یک تل هبزم در آتش بزرگ انقلاب جهانی محسوب می کرد، منعکس است... و بالاخره در این کلمات استراتژی مقابله با «جنگ سرد» منعکس بود که محافل امپریالیستی غرب علیه اتحاد شوروی براه انداخته بودند.

در آن زمان، این کلمات خطاب به مهمانان خارجی بیان شد. نیم قرن پیش هیچکس نمی توانست تصور کند که کمونیست های شوروی روزی با وظیفه بازسازی یکپارچگی ارضی و استقلال میهن خود مواجه شوند، با نیاز به مبارزه برای پایه ای ترین حقوق برای اکثریت مردم که از حق زندگی و کار آغاز می شود، مواجه گردند.

در رابطه با چنین وظایفی، حزب کمونیست فدراسیون روسیه حزبی طبقاتی باقی می ماند. یک حزب مردم زحمتکش، کارگران، دهقانان و روشنفکران. حزب آگاهانه و وظیفه اصلی خود را در حال حاضر وحدت نیروهای سیاسی و اجتماعی سالمی تعریف می کند که باید وظایف دموکراتیک نجات ملی و میهنی را به انجام برسانند. ما وارثان آن بخش از حزب کمونیست اتحاد شوروی هستیم که هیچگاه اصل طبقاتی را در مقابل

ادامه مهمترین مسأله استراتژی ما ...

اصل عموم خلقی قرار نداد. این موضع اصولی ما است که در برنامه ما منعکس است و بر اساس آن تاکتیک های خودمان را تعریف کرده و روابط خود را با متحدان مان تعیین نموده ایم و با مخالفان برخورد کرده ایم.

این رازی نیست که رژیم حاکم فعلی ماسک میهن پرستی و توانمند خواستن وطن را بر چهره گذاشته است. چگونه ممکن است که یک نفر میهن پرست واقعی باشد و در عین حال از سرمایه داری عنان گسیخته در روسیه حمایت کند؟ بدون مخالفت با چنین رژیمی چگونه می توان دموکرات واقعی بود؟... ایده میهن پرستانه معاصر یک ایده عمیقاً سوسیالیستی است. ما باید این واقعیت را در دسترس درک همگان قرار دهیم...

سرمایه داری کردن روسیه به کجا ختم می شود

کوشش برای اعاده سرمایه داری منجر به انهدام وضعیت و در حقیقت به غیر صنعتی شدن کشور، به از بین رفتن بیش از نیمی از پتانسیل اقتصادی و افت شدید کیفی در تمامی ساختار تولید شده است. صنایع تکنولوژیکی عالی، آن کارخانجاتی هستند که از نبود سرمایه گذاری صدمه می بینند. روسیه در حال حاضر استقلال خود را از نظر تولید مواد غذایی از دست داده است. یک سیستم اقتصادی از نوع استعماری در حال شکل گرفتن است. کوشش برای اعاده سرمایه داری منجر به انشقاق جامعه گشته است. یک بخش از جمعیت با از دست دادن نه تنها آگاهی طبقاتی بلکه آگاهی ملی مبدل به لومین پرولتاریا شده است.

... کوشش برای اعاده کاپیتالیسم در روسیه در واقع به استعمار روز افزون روسیه می انجامد. دقیق تر بگوییم، این کیفیتا یک فرم جدیدی از اعلام جنگ علیه کشور ما است. پول های کثیف، دروغ و تحریکاتی که ستون پنجم از آنها استفاده می کند در عمل از تمام تجاوزه های باتی، ناپلئون و هیتلر کمتر مخرب نبوده است...

به همین دلیل است که در صدد ایجاد یک «کمر بند قرنطینه ای» در پیرامون روسیه هستند. در جنوب آنها کوشش دارند که ما را از متحدان تاریخی خود در بالکان جدا کنند. مسأله توسعه ناتو در اروپای مرکزی حل شده است. در شمال شرق کشورهای بالتیک در حال پیوستن به کمر بند قرنطینه ای هستند. این عمده ترین تهدید خارجی است. تهدید داخلی ناشی از سیاست غیر مسوولانه و فاقد صلاحیت رژیم حاکم است که منجر به یک انفجار اجتماعی خود به خودی خواهد شد.

... رفتار بلتسین در هلسینکی پرده از بیانیته های عدم موافقت او با توسعه ناتو در شرق اروپا برداشت. با امضاء اسناد به اصطلاح جبران... او در اساس وارد یک تجارت سیاسی گردید. و نظر واشنگتن را مبنی بر «توسعه ناتو در مقابل اعانه» قبول کرد. این «توافق» در واقع چیزی جز یک پرده استتار برای خلع سلاح اتمی روسیه، نابود کردن آخرین وسایل هشیار دهنده در مقابل دشمنان بالقوه نیست...

... «مرحله جدید اصلاحات» معنایی جز جمله به آنچه از حقوق اجتماعی- اقتصادی مردم زحمتکش باقی مانده است نمی تواند داشته باشد. در عین حال تحریکات سیاسیانجام می شود. باز سخن از جا بجا ساختن جسد لنین می رود. یک کارزار جدید ضد کمونیستی آغاز شده است. طرح های جدیدی را برای از بین بردن مجلس دومای نافرمان در دست دارند. این همه جز جریانی علنی برای تشدید تقابل بیشتر چه می تواند باشد؟...

حزب در مقام اپوزیسیون مسوول

حزب ما در شکل کنونی خود فقط چند سال عمر دارد. با وجود این تاریخ آن هم اکنون پر از حادثه است. و می توان آن را به چندین دوره تقسیم کرد. دوره عقب نشینی موقت که در آستانه کنگره سوم تمام شده بود. دوره مورد گزارش تا قبل کنگره را می توان دوره انباشت قدرت و تحصیل یک موازنه مشخص بین اپوزیسیون و حکومت دانست. ما در آستانه یک دوره جدید هستیم که مشخصه آن تهاجم است.

... در درون حزب خواست های فزاینده ای وجود دارد که از رهبری عملکردی مصممانه تر و با انرژی تر و قاطعانه را طلب می کند... طی دو ماه گذشته اوضاع در روسیه چنان عوض شده است که می توان از یک مرحله تاکتیکی جدید در فعالیت هایمان صحبت کرد...

دولت جدیداً تشکیل شده مصمم است بی تردید سیاست های نابود کننده روسیه را ادامه دهد... این اهمیت حیاتی دارد که تغییراتی را در قانون اساسی ایجاد کنیم چرا که قانون اساسی فعلی اعضای دوما را به دور باطلی از برخورد با این و یا آن کابینه می کشاند. صرف نظر از اینکه تعداد اپوزیسیون چه اکثریتی داشته باشد. این خیلی طولانی خواهد بود اگر منتظر انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی اپوزیسیون شویم. ما باید در حالی که متوجه هدف برنامه ای خودمان اتخاذ یک قانون اساسی شورایی هستیم برای تغییرات در قانون اساسی مبارزه کنیم.

متحدین ما در مبارزه نباید فقط منحصر به احزاب و جنبش های سیاسی باشند، اتحادیه های کارگری، سازمان های جوانان، زنان و باز نشستگان نیز باید جزو متحدین ما باشند. منطق این مبارزه متحد است که باید ما را به ایجاد یک دولت ائتلافی میهنی هدایت کند...

... ما باید در قلب مبارزه باشیم و به آن فرم های متشکل تر و آگاهانه تر بدهیم... کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه ضروری می داند که فوراً شروع به جمع آوری طوماری از امضاء برای خواست استعفای رئیس جمهور و تغییر قانون اساسی بکند. این عمل باید در هر صف اعتراضی، جلسه، اعتصاب غذا، اعتصاب و در جریان هر اقدام اعتراضی انجام پذیرد. هر چه این جنبش گسترده باشد، ساده تر و طبیعی تر به یک اعتصاب ملی سراسر روسیه خواهد انجامید. اگر آنهايي که در قدرت هستند نسبت به خواسته های مردم ناشنوا باقی بمانند، تمام مردم زحمتکش روسیه را به چنین اعتصابی فرا خواهیم خواند. اگر ما حقیقتاً می خواهیم که اعتراض توده های مردم به حصول نتایج مثبت بیانجامد، باید خودمان را درگیر انجام دو وظیفه بکنیم. اول- آموزش سیاسی و سازماندهی توده ها و دوم- بیدار کردن ابتکارات مردم، ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید در پایین که قادر خواهند بود جایگزین ساختارهای ناتوان و از کار افتاده گردند. که طی زمان هر دوی این وظایف با هم تلفیق خواهند شد.

در رابطه با موضع اجتماعی- اقتصادی حزب

حزب دارای نظرات اصولی خود در شرایط کنونی اقتصادی است که چگونه عمل کند.

امروز مسأله عمده برای ما این است که آیا «نیروهای بازار» و در عمل چند گروه بندی بانکی باید با بهره جهت حرکت اقتصادی ما را تعیین کنند، آنهم در حالیکه منابع کشور را بسود منافع خودخواهانه اشان بکار می برند، و یا دولت عرصه و جهت بهره گیری از رقابت بازار را به نفع جامعه تعیین کند؟ ما طرفدار دومین حالت هستیم. ما موافقیم که دولت عرصه ها و جهت های عمده را تعیین می کند و رقابت بازار را به نفع مردم بکار می گیرد. امروز مهم ترین مسأله برای ما تقویت کردن مدیریت دولتی مرکزی و پایین بردن تعرفه ها در سیستم های کلیدی نظیر مجتمع سوخت، انرژی، حمل و نقل راه آهن و ارتباطات است که چارچوب را برای یک فضای اقتصادی، سیاسی غیر قابل تقسیم در روسیه فراهم می کند و ضامن حراست از روسیه می باشد.

جامعه نمی تواند به تنهایی شفافیت لازم را در فعالیت اقتصادی به وجود آورد و در مقابل موج جنایتکاری بدون کنترل دولتی مقاومت کند... به طور همزمان، اگر تجربه گذشته را در نظر بگیریم، ما تمرکز بیش از حد و بوروکراتیک را کنار می گذاریم. ما طرفدار یک سیستم اقتصادی منعطف بر پایه عمل متقابل بین اشکال متفاوت مالکیت، همزمان با ارجحیت دادن به مالکیت عمومی هستیم.

در حال حاضر روسیه هر سال ۱۰ تریلیون روبل از منافعش را از طریق «دلاری شدن» اقتصاد از دست می دهد... در کشاورزی سیاست حزب علیه

ادامه ایران پس از انتخابات ...

توانسته است تا به امروز به حیات ضد مردمی خود ادامه دهد.

کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه اخیر خود به درستی در این زمینه تأکید کرد که: «آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علی رغم خواست تودها به انجام تغییرات دموکراتیک مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه باشد ...» (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵ خردادماه ۱۳۷۶ - نامه مردم ۵۰۷).

رهبر جمهوری اسلامی در سخنان ۱۶ خرداد خود ضمن هشدار به نیروهایی که در انتخابات پیروز شده اند اظهار داشت: «دشمنان نظام جمهوری اسلامی هنگامی که نمی توانند در میدان مبارزه رویاروی کار موثری را انجام دهند، و به آن ضربه نظامی بزنند، انفجار داخلی درست کنند و یا با محاصره اقتصادی آن را به زانو در آورند از طریق فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی تلاش می کنند نظام اسلامی انقلابی را به مواضعی بر خلاف موازین و اصول خود سوق دهند. آنها جورا آنچنان از فشار انباشته می کنند که انسان های ضعیف النفس نمی توانند در مقابل این فشار از خود مقاومتی را نشان دهند...» (جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۷۶).

در اینجا روی صحبت خامنه ای در وحله نخست با توده ۲۰ میلیونی است که رای داده اند و خواهان تغییر شرایط اند و بر اساس این صحبت ها از آنجائیکه تغییرات مورد خواست تودها با «مقررات، احکام و منابع اسلامی» در تضاد است بدیهی است که نمی توان به آن تن داد و سخنان پایانی او نیز هشدار است به «انسانهای ضعیف النفس» ی؟! که باید مواظب باشند و از خود ضعف نشان ندهند و در مقابل خواست تودها بایستند.

خامنه ای در همین سخنان نیز با اشاره به کسانی که خواهان بهبود وضع زنان و کم شدن فشارها در این عرصه هستند اضافه کرد: «غربی ها می خواهند در کشورهای اسلامی و در نظام اسلامی که بر پایه اسلام و قرآن است بساط فساد و بی بند و باری را راه بیندازند...».

توجهات و توضیحات «رهبر» به نمایندگی از طرف واپسگرا ترین نیروهای حکومتی و خشم غیر قابل کنترل بازاریان و روحانیت و ایسگرای حامیشان نخستین واکنش خصمانه نیروهای ضد مردمی در مقابل اراده قاطع توده های مردم است. چنین واکنشی که روز به روز شکل روشن تری در ارکان رژیم به خود می گیرد برای حزب ما غیر منتظره نبود. «با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قوه قضائیه، صاحبان ثروت های هنگفت غارت شده طی سال های پس از انقلاب، صاحبان اهرم های عمده اقتصادی، کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی دلال،

روحانیت حاکم و در رأس آنان «ولی فقیه» نتیجه این رأی گیری را به ضرر و در نفعی خود می بینند، باید منتظر درگیری ها و برخوردهای حاد میان توده های عظیم رأی دهنده و مجموعه راست گرا و تاریک اندیش رژیم «ولایت فقیه» بود ...» (از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵ خردادماه ۱۳۷۶ - نامه مردم ۵۰۷).

نظام حاکم بر کشور ما یک نظام عقب مانده سرمایه داری با روبنای قرون وسطایی «ولایت فقیه» است. در این نظام اساس کار غارت بی حد و حساب منابع کشور و توده ها و تأمین منافع کلان سرمایه دارانی است که نمایندگان آنان قدرت سیاسی را در دست خود متمرکز کرده اند. کلان سرمایه داری تجاری کشور و بازاریان بزرگ از یک سو و سرمایه داری بوروکراتیک نوین که در طی ۱۸ سال گذشته از طریق فساد وسیع و گسترده دستگاه اداری جمهوری اسلامی میلیارد ها ثروت برای خود انباشته است، خواهان ادامه شرایط کنونی و حفظ نظامی هستند که این منافع را برای آنان تأمین کرده و می کند. بدیهی است که در چنین نظامی عدالت اجتماعی نمی تواند تحقق یابد. نظامی که اساس آن چپاول و غارت اکثریت محروم جامعه به نفع عده ای انگشت شمار است ماهیتاً توان حرکت به سمت عدالت را ندارد. در ۱۸ سال گذشته روزی نبوده است که سران ریز و درشت جمهوری اسلامی دم از عدالت زنند و در عین حال ایران را به سمتی ببرند که در آن فقر و محرومیت در ابعاد بی سابقه ای زندگی را بر میلیون ها شهروند میهن ما تلخ و سیاه کرده است. ۹۲ هزار میلیارد تقدینگی جمع شده در بخش خصوصی در همین ساختار و در شرایط همین ادعاهای دروغ و پوچ بدید آمده است. ویژگی اساسی دیگر نظام حاکم بر کشور ما ماهیت عمیقاً استبدادی و تاریک اندیش آن است. سرکوب و وسیع حقوق و آزادی های دموکراتیک در کنار تحمیل عقاید پوسیده و خرافی رهبران کنونی به جامعه شرایط دشواری را برای زندگی مردم ایجاد کرده است. امروز در ایران تنها فعالان سیاسی مخالف رژیم نیستند که در خطر سرکوب، پیگرد و آزار و اذیت قرار دارند بلکه توده انبوه زنان، جوانان و در مجموع کلیه شهروندان هستند که روزانه با آزار و اذیت گسرمگان رژیم دست به گریبانند. نتیجه آنکه تغییر چنین ساختاری در گرو تحولات عمیق، دموکراتیک و شرکت وسیع افشار مختلف مردم و همه نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک کشور است. سران رژیم نه تنها خواستار چنین تحولاتی نیستند بلکه کوچکترین حرکتی به این سمت را خطری برای منافع خود ارزیابی می کنند. سران رژیم خوب می دانند که هرگونه گشایشی در فضای سیاسی - اجتماعی آنچنان نیرویی را به صحنه خواهد آورد که هیچ نیروی مسلح و مزدوری را توان مقابله با آن نخواهد بود و از همین رو است که «ولی فقیه» رژیم از نخستین روزهای پس از انتخابات نگرانی خود را در قبال خواست امرانه توده ها نشان می دهد. حزب ما همچنان معتقد است که عقب نشینی

رژیم در مقابل مردم از روزی شروع می شود که فشار از پایین به حدی رسیده باشد که رژیم عملاً قادر به کنترل آن نباشد، نه با فریب و نیرنگ و وعده و مانور، نه با زور و ارعاب و سرکوب، در چنین شرایطی شمارش معکوس حیات رژیم ضد مردمی آغاز می شود. «بهر تقدیر این شناخت روز افزون مردم میهن ما از تجربه تلخ زندگی دشوار و اسارت بار در حکومت تاریک اندیش و واپسگرا است که آنان را در چارچوب شرایط تحمیلی رژیم سرکوبگر به شیوه های مقاومت و مقابله ممکن با آن سوق می دهد. افشگری کل رژیم «ولایت فقیه» به این شناخت و آگاهی کمک مؤثر می نماید و فشار سازمان یافته توده ها لحظه تعیین سر نوشت میهن ما را که امری جز نفی و طرد رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» نمی تواند باشد، نزدیک تر می کند.» (از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵ خرداد ماه ۱۳۷۶ - نامه مردم ۵۰۷).

ادامه عقب نشینی و مانورهای ...

حساب شده و نیز مانورهای معین رژیم ولایت فقیه مطرح است. اینکه هیچ یک از اقدامات کنونی داوطلبانه و یا از سر دلسوزی نبوده و نیست. بلکه این مبارزه و مقاومت هوشیارانه طبقه کارگر می باشد که جمهوری اسلامی را وادارد به عقب نشینی گام به گام کرده است.

وعده های پوچ مسؤولین رژیم و انواع و اقسام طرح ها و لوایح و تصویب آنها ناشی از مبارزه متحد طبقه کارگر و اعتراضات بیگنر آنان است. تجربه نشان می دهد، رژیم هایی نظیر جمهوری اسلامی قادر و مایل به هیچ تحول، تغییر و اقدام به سود مردم بویژه کارگران و زحمتکشان نیستند. مبارزه و هدف طبقه کارگر ایران به چند لایحه و قانون و ایجاد استراحت گاه محدود نمی شود. این ها بخش ناچیز و فرعی مبارزه حق طلبانه کارگران میهن ما محسوب می شوند.

تجربه ماه های گذشته ثابت می کند تنها در پرتو اتحاد آهنگین طبقه کارگر و پیوند آن با جنبش دموکراتیک سراسری مردم در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می توان منافع کارگران و زحمتکشان را به دست آورد. مبارزه مشترک، متحد، آگاهانه و مهمتر از همه سازمان یافته طبقه کارگر سلاح برا در نبرد برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی است. کارگران میهن ما به تجربه نشان داده اند بر پایه سنن دیر پای انقلابی خود به خوبی و آگاهانه به این اصل که «کارگر متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز» واقف هستند. کوتاه سخن، تنها در سایه اتحاد و تشدید مبارزه می توان آینده را ترسیم کرد. مبارزه طبقه کارگر ایران ژرف تر، حادثر و جدی تر از آن است که در چارچوب چند مانور حیل گرانه محدود شود و خاموش گردد. این مبارزه در آینده گسترش خواهد یافت.

رویدادهای جهان



حضور کمونیست ها در دولت فرانسه

دور دوم انتخابات فرانسه همانگونه که پیش بینی می شد به پیروزی نیروهای چپ این کشور منتهی شد. حزب کمونیست فرانسه با تصاحب ۱۴ کرسی بیشتر اکنون در پارلمان صاحب ۳۸ نماینده است. حزب سوسیالیست به رهبری لیونل ژوسپین که قبلاً ۵۷ کرسی داشت اکنون صاحب ۲۴۰ کرسی می باشد. با احتساب کرسی های نمایندگی دیگر نیروهای چپ و نیز سبزها، جبهه موافق سوسیالیست ها، کمونیست ها و سبزها تعداد کرسی های پارلمانی لازم برای تشکیل یک دولت اکثریت را دارا می باشد. احزاب دست راستی با از دست دادن ۲۰۷ کرسی از ۴۶۴ کرسی پارلمانی خود شکست را قبول کردند. در دولت جدید ۳ پست وزارت منجمه ۲ پست در کابینه اصلی ۱۵ نفره به حزب کمونیست داده شده است. رابرت هیو، رهبر حزب کمونیست فرانسه پس از اعلام نتیجه انتخابات گفت که «حزب کمونیست با تمام نیرو و به طور سازنده به مبارزه خود ادامه خواهد داد تا تغییری را که اکثریت مردم خواستار آن هستند به واقعیت مبدل گردد». حزب کمونیست از نخست وزیر جدید خواسته است که تعهد کند حداقل دستمزدها را ۸۰ درصد بالا ببرد، گام های لازم را جهت کاهش ساعات کار از ۳۹ ساعت به ۳۵ ساعت در هفته بردارد و مالیات غیر مستقیم را کاهش دهد و اطمینان بدهد که پیش شرط های اروپای متحد - اقدامات محدود کننده خدمات عمومی - را اجرا نخواهد کرد.

لوئیس ویات، رهبر مرکز سندیگایی ث. ژ. ت. نخست وزیر جدید را فراخواند که سریعاً حداقل دستمزدها را بالا ببرد و خاتمه خصوصی سازی را اعلام کند. او گفت: «دولت باید سریعاً برنامه خود را در مورد حداقل دستمزدها اعلام کند، مذاکره بر روی یک سری مسایل صورت بگیرد و نیاز به عمل جدی و دقیق کارگران است... آنچه که من می خواهم به مزدگیران بگویم این است: منتظر نشوید که درباره مسایل از بالا تصمیم گرفته شود. از امروز شروع کنید. با روسا دیدار کنید و تقاضاهای خود را در مورد شرایط کاری و ساعات کار مطرح کنید». به قدرت رسیدن دولت ائتلافی چپ در فرانسه مطمئناً در روند وحدت پولی امپریالیسم اروپا و نیز همگرایی سرمایه داری بیشتر

کشورهای اتحادیه اروپا اختلالاتی را ایجاد خواهد کرد. در صحنه داخلی نیز دولت جدید مواعید فراوانی در مورد ایجاد اشتغال و بهبود شرایط کار و برداشتن قدم هایی برای مسدود کردن رشد تمایلات نژاد پرستانه داده است که جامه عمل پوشاندن به آنها، پیروزی محسوسی برای طبقه کارگر فرانسه خواهد بود.

قریبان سوء تغذیه

یونیسف، صندوق ویژه سازمان ملل برای کودکان، در روز ۱۳ خرداد ماه اعلام کرد که بیش از ۷۵۰/۰۰۰ کودک عراقی غذای کافی ندارند و این که ۱۷ درصد از ۳ میلیون کودک زیر ۵ سال عراقی از سوء تغذیه مزمن عذاب می کشد. ارقام و فاکت های یونیسف براساس تحقیقی که مشترکاً توسط یونیسف، سازمان غذای جهانی و وزارت بهداشت عراق در ماه آوریل انجام گرفته است توجه اصلی را بر تحقیق روی کودکان در مرکز و جنوب عراق متمرکز کرده و یافته های آن شامل وضعیت کودکان در کردستان عراق که از کنترل دولت خارج است، نمی شود.

فیلیپ هفینک، نماینده یونیسف گفت: «یافته های این بررسی سطح نگران کننده سوء تغذیه در مرکز و جنوب عراق را برجسته می کند. تحقیق نشان داد که بخش های بزرگی از جمعیت جوانان به تدریج بر شمار محرومان جامعه که گرفتار سوء تغذیه جدی هستند اضافه می شود

آقای هفینک گفت: «سوء تغذیه مزمن اثرات طولانی مدت روی رشد جسمی و روانی و فکری کودکان دارد که معالجه آن مشکل است». گزارش یونیسف متذکر می شود که سوء تغذیه کودکان تا قبل از تحریم اقتصادی سازمان ملل علیه عراق در سال ۱۹۹۱ تقریباً وجود خارجی نداشت. یک سال بعد از اعمال تحریم حدوداً ۹ درصد جمعیت کودکان دچار سوء تغذیه بودند. در گزارش گفته می شود اکثر کودکان زیر ۲ سال در معرض خطر ناشی از سوء تغذیه هستند. تهیه کنندگان گزارش اظهار نگرانی کردند که این ترس وجود دارد که کودکان «رشد نا یافته» به بالغین رشد نیافته ای تبدیل شوند و تمام عمر از همان پروسه های مضر که در کودکی دست به گریبانش بودند رنج ببرند.

تسلیم تاریخی روسیه

در جریان امضاء موافقتنامه ای که در روز ۶ خرداد ماه در پاریس بین پرزیدنت بوریس یلتسین و رهبران پیمان تجاوزگر ناتو انجام پذیرفت، رئیس جمهور روسیه رسماً شکست تاریخی روسیه را در جنگ سرد قبول کرد. امضاء این موافقتنامه متضمن قبول طرح ناتو جهت گسترش در شرق اروپا است که در سال های اخیر مورد مخالفت روسیه بوده است. یلتسین این توافق را که در واقع نوعی کاپیتولاسیون امپریالیستی است را «قدیمی تاریخی و بیروزی منطق» توصیف کرد. ولی آگاهان مطلع روس اظهار داشتند که سند هیچکدام از نگرانی های امنیتی روسیه در دوره پس از فروپاشی اتحاد شوروی و

پیمان ورشو را مورد توجه قرار نمی دهد. سند توافق با زبانی بسیار گنگ تهیه شده و لذا برای هرگونه تفسیری جا باقی می گذارد. قرارداد برخی اصول مشترک را مقرر می کند که دو طرف به آن گردن می نهند، از جمله همکاری برای ساختن یک نیروی قوی امنیتی، عدم استفاده از تهدید زور علیه یکدیگر، غلظت در مسایل مربوط به سیاست های نظامی، حمایت از سازمان ملل و تعهد عمومی و کلی به پایبندی به دموکراسی، پولرایسم و اقتصاد بازار.

بخش کلیدی سند احترام هر کشوری را به «حق طبیعی و ذاتی انتخاب شیوه تضمین امنیت» برای کشورهای دیگر تأکید می کند. و این بدان مفهوم است که روسیه دیگر نمی تواند با پیوستن اعضای سابق پیمان ورشو به ناتو مخالفت کند. ناتو مصمم است که تابستان امسال از مجارستان، لهستان و جمهوری چک برای پیوستن به جمع ۱۶ کشور عضو حاضر دعوت نماید. ایالات متحده می خواهد که این کشورها تا قبل از ۵۰- مین سالگرد ناتو در ۱۹۹۹ به آن بپیوندند.

طبق مصوبات سند، شورای دائمی ای با شرکت مسکو و پیمان ناتو مشورت خواهد کرد در باره تمامی مسایل امنیتی که مسکو در رابطه با آن نگران است. ولی در قسمت دیگری از سند دقیقاً تصریح شده است که چنین مشورتی به معنی خودداری ناتو از عملی کردن طرح های خود نخواهد بود. متن موافقتنامه تصریح می کند که این قرارداد «در هیچ مرحله ای، برای ناتو و روسیه حق وتو عمل طرف دیگر را ایجاد نمی کند، مفاد قرارداد خدشه دار کننده و یا محدود کننده حقوق ناتو و یا روسیه در تصمیم گیری و عمل مستقل نمی باشد». با امضاء این موافقتنامه که مورد مخالفت جدی اکثریت نیروهای اپوزیسیون در روسیه می باشد، کشورهای امپریالیستی امکان حضور نظامی در مرزهای روسیه به منظور اعمال نفوذ در روند تحولات سیاسی و آینده این کشور مهم جهان را به نفع همکاران و همدستان خود خواهند یافت.

رهبر سندیگایی لبنان را آزاد کنید

سازمان جهانی کار در روز ۱۶ خرداد در بیانیه ای خواستار شد که الیاس ابوزریق، رهبر اتحادیه های کارگری لبنان، فوراً از زندان آزاد شود. ابوزریق در روز ۹ خرداد ماه به اتهام اینکه به «دروغ» مدعی شده است که او رهبر جنبش کارگری شده لبنان است دستگیر شده. ولید حمدان، نماینده سازمان جهانی کار به دادستان کل لبنان، عدنان عدووم، اظهار داشت که ابوزریق نماینده انتخابی کنفدراسیون عمومی کارگران لبنان در مرکزیت سازمان جهانی کار می باشد و باید فوراً آزاد شود.

خلاصه ای از گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه

حزب ما باید مدافع اصلی آرمان های مردم در مورد یک جامعه عادلانه باشد. اصل پایه ای سوسیالیسم «از هر کس به اندازه توانایش، به هر کس بر اساس کارش» می باشد. در این دوایده بسیار مهم مطرح شده است: ایده خدمت اجتماعی و عدالت اجتماعی.

«به هر کس بر اساس کارش» یک سان کردن دستمزدها و یا تبعیض بین کاریدی و کار فکری را مطرح نمی کند.

ما ضمن حفاظت از میراث میهن پرستانه حزبمان که برای هر شهروند قابل درک و فهم و عزیز است باید آن را گسترش بدهیم و تکثیر کنیم.

ما به شوراها افتخار می کنیم. شوراها به مشابه یک ارگان دولتی توسط مردم ایجاد شدند و با ایده های ملی سازماندهی قدرت همنوایی دارند...

در رابطه با حزب و سیمای آن

... در اکثریت پیشنهادات رسیده به حزب خواست تقویت دیسپلین حزب مطرح است و به کار گیری موازین مرکزیت دموکراتیک همانگونه که تا قبل از کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی جاری بود، تاکید می شود.

... ما عملکرد و تجربیات ضد ملی تروتسکیسم، قانون شکنی، خائنین را که قدرت را در دهه ۸۰ در حزب کمونیست اتحاد شوروی به چنگ گرفتند محکوم کرده و رد می کنیم. ما هیچگاه اشتباهات گذشته را تکرار نخواهیم کرد...

کمک های مالی رسیده

از برلین در راه کنگره
۵. مارک

رفقایی از برلین برای
برگزاری کنگره

۷۵. مارک

به یکباره پایین نیفتاده اند. از بسیاری لحاظ آنها ادامه بدترین گرایشات گذشته نه چندان دور هستند.

سنگینی ساختار اقتصادی، گرایش به اقتصاد مبتنی بر استخراج مواد خام پنج یا ده سال قبل شروع نشد بلکه آغاز آن در دهه ۷۰ بود و این همزمان با دوره ای است که علم و تکنولوژی شروع به عقب افتادن از غرب نمود.

اگر امروز کار شرافتمندانه به صرفه نیست، باید ریشه های نابودی انگیزه به کار ثمر بخش را در بیگانگی کارگر از ابزار تولید و در شیوه های معیوب تامین حق شهروندان بر مایملک عمومی دانست.

این خیلی آسان است که متعجب شویم که چگونه مردم به شکلی غیر فعال و غیر مسولانه به دزدی خصوصی سازی برخورد می کنند، در حالیکه باید درک شود که تدارک «خصوصی سازی بزرگ» از نظر روانی و اخلاقی توسط نمونه های کوچک آن در شکل دزدی در مقیاس کوچک که برای سالیان زیاد در نشو و نما بود، صورت گرفته بود.

در حالی که از سقوط اخلاق و فقر ایدئولوژیک در جامعه خشمگین هستیم، باید تصدیق کنیم که این امر از خیلی پیش آغاز شد. برخورد رسمی و فرمال به کار ایدئولوژیک و تفاوت بین گفتار و کردار بذر شک و بی اعتقادی را کاشت که امروز به علف های زهرآگین بدل شده است.

در پایان، هنگامی که مقصر همه بدبختی هایمان را «حزب در قدرت» می دانیم، ما نمی توانیم این حقیقت را نپذیریم که این حزب در بخش عمده آن از صاحبان امتیاز تشکیل شده و پیرو بلاواسطه آنها می باشد. آیا پوسیدگی در ساختار حزب، دولت و فساد و آمیختن آن با جهان جنایت فقط مسایل امروز است؟ این بخش بوروکراتیک حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که تسلط خیانت را ممکن کرد، که گارباچف و یلتسین را که نگاهدارنده و پرورش دهنده آن ارثیه کشیف هستند به وجود آورد. این «حزب قدرت» است که سعی دارد تقصیر را متوجه کمونیست های واقعی بکند. ما قویا این ارثیه را مردود می شماریم و به عنوان نمایندگان بخش میهن پرست حزب تقصیر را تا آنجا می پذیریم که قادر نشدیم حزب را به موقع از دزدان و ارادل پاکیزه کنیم.

خرید و فروش آزادانه زمین است.

در رابطه با تمامیت ارضی روسیه

اولاً از نظر نگاه وسیع تاریخی و فرهنگی روسیه بزرگ، اتحاد شوروی است... حزب همیشه مخالف ایده آل خرده بورژوازی که خواستار کشورهای کوچک شبه مستقل و لذا منزوی بودن مردم هستند، بوده و خواهد بود.

... روند تحکیم داخلی روسیه فقط هنگامی غیر قابل برگشت می شود که از مداخله خارجی مصون باشد. تامین این کار ساده ای نخواهد بود، اگر این حقیقت را در نظر بگیریم که تمامی مواضع بین المللی اتحاد شوروی بدون مبارزه و کوشش تسلیم شده و استقلال سیاسی و دفاع در حال انحطاط شدید هستند. موازنه استراتژیک نیروها در جهان از بین رفته است... منظور از توسعه ناتو مشخص است. این امر برای حمایت از مواضع متحدانشان در مسکو توسط لوله های تانک در اروپای شرقی است. در صورتی که قدرت مردمی پیروز شود روسیه را با یک کمر بند قرنطینه ای محاصره خواهند کرد تا مانع آن شوند که نفوذ سنتی خود را بر روی تحولات جهانی دوباره اعمال کند.

در برخورد با تاریخ اتحاد شوروی

حزب کمونیست روسیه مردم را به بازگشت به سوسیالیسم نمی خواند، بلکه آنها را پیش به سوی سوسیالیسم دعوت می کند. بازگشت به مدل قبلی را باید از آنجا که گذشته را تکرار می کند، محکوم نمود.

جامعه هنوز به صراحت این را درک نمی کند. نه فقط دشمنان ما بلکه بسیاری از حامیان ما حزب را به مثابه یک مدافع گذشته، «یک نیروی محافظه کار چپ» می بینند. بخشی از این نتیجه گیری محصول تحریم اطلاعاتی است که ما هنوز نتوانسته ایم آن را بشکنیم و بخشی از چنین نتیجه گیری محصول آن است که ما خودمان هنوز با گذشته تاریخی مان برخورد دقیق نکرده ایم.

بیباید رک و راست باشیم... میراث ما خیلی متنوع است. بسیاری از چیزها را باید نقادانه مورد تحلیل قرار دهیم و از غرور و خودپسندی که برای حزب مرگ آور است، اجتناب کنیم. نفرین به رژیم و مسیر و عملکرد فاجعه بار آن برای اپوزیسیون یک مساله عادی شده است. ولی ما باید همجمنین بفهمیم که روندهای فاجعه آمیز امروز از هیچ و از آسمان

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:508

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

17 June 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴ ۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک